ISSN: 2717-3216 Volume 11, Issue 1 (2024), 48-61 https://www.ijfpjournal.ir/

Iranian Journal of Family Psychology

Research Paper

10.22034/ijfp.2024.2028681.1317

Causal Relationships of Differentiation, Latent Communicative Aggression, and Emotional Divorce in Conflicting Women with the Mediating Role of Marital Conflict

Shahriar Dargahi[1*], Nader Ayadi[2], Maryam Khabazi[3]

1. Department of Psychology and Counseling Education, Farhangian University, Tehran, Iran.
2. Department of Counseling, Faculty of Education and Psychology, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
3. Department of Psychology, Faculty of Humanities, Khalkhal Azad University, Khalkhal, Iran.

Article Info.

Received: 10 May 2024

Revised: 25 June 2024

Accepted: 20 July 2024

Keywords:

Differentiation,

latent communication aggression,

marital conflict,

emotional divorce

Abstract

Abstract

Considering the negative effects of emotional divorce on the health of couples and family members, the objective of the present study was to examine the causal relationships of differentiation, Latent communication aggression, and emotional divorce in conflicting women with the mediating role of marital conflict. The research method was descriptive and correlational using structural equation modeling approach (SEM). The statistical population included women who were referred to Welfare Counseling centers in Khalkhal in 2023. From among them, 200 women were selected using the convenience sampling method. They filled out Gottman's Emotional Divorce Scale (EDS), Skowron and Schmitt's Differentiation of Self Inventory (DSI), Nelson and Carroll's Latent Communication Aggression Scale (CRAS), and Barati's Marital Conflict Scale (MCS). The results showed that differentiation had a direct and negative effect on marital conflict, and latent communicative aggression had a direct and positive effect on marital conflict ($p < 0.01$). Moreover, differentiation and latent communicative aggression had an indirect effect on emotional divorce with the mediating role of marital conflict ($p < 0.01$). According to the findings, both differentiation and latent communication aggression played an important role in the emotional divorce rate of conflicting women directly and indirectly (through changes in marital conflict). Therefore, therapists, especially in the field of couples therapy, can use the findings of this research study to reduce emotional divorce in couples.

*Corresponding author

Email: shahriardargahi@yahoo.com

How to Cite:

Dargahi, Sh., Ayadi, N., Khabazi, M. (2024). Causal Relationships of Differentiation, Latent Communicative Aggression, and Emotional Divorce in Conflicting Women with the Mediating Role of Marital Conflict. *Iranian Journal of Family Psychology. 11*(1), 48-61.

ISSN: 2717-3216 https://www.ijfpjournal.ir/

روانشناسی خانواده
دوره یازدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳



مقاله پژوهشی

روابط علی تمایزیافتگی، پرخاشگری ارتباطی پنهان و طلاق عاطفی در زنان متعارض با میانجی‌گری تعارض زناشویی

شهریار درگاهی[۱*]، نادر اعیادی[۲]، مریم خبازی[۳]

۱. گروه آموزش روانشناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان. اصفهان. ایران
۳. کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد واحد خلخال، خلخال، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۱

بازنگری: ۱۴۰۳/۰۴/۰۵

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

کلیدواژه‌ها:

تمایزیافتگی،

پرخاشگری ارتباطی پنهان،

تعارض زناشویی،

طلاق عاطفی

چکیده

با توجه به پیامدهای منفی ناشی از طلاق عاطفی بر سلامت زوجین و اعضای خانواده، هدف پژوهش حاضر تعیین روابط علی تمایزیافتگی، پرخاشگری ارتباطی پنهان و طلاق عاطفی در زنان متعارض با میانجی‌گری تعارض زناشویی بود. روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی با روش مدلیابی معادلات ساختاری (SEM) بود. جامعه آماری شامل زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره بهزیستی شهر خلخال در سال ۱۴۰۲ بودند که از میان آنها ۲۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به مقیاس طلاق عاطفی گاتمن (EDS)، پرسشنامه تمایز یافتگی اِسکورن و اِسمیت (DSI)، مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان نلسون و کارول (CRAS) و مقیاس تعارض زناشویی براتی (MCS) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS22 و Amos23 مدلیابی معادلات ساختاری (SEM) شدند. نتایج نشان داد که تمایزیافتگی بر تعارض زناشویی اثر مستقیم و منفی و پرخاشگری ارتباطی پنهان بر تعارض زناشویی اثرمستقیم و مثبت داشت (p<۰/۰۱). همچنین، تمایز یافتگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان با میانجی‌گری تعارض زناشویی بر طلاق عاطفی اثر غیرمستقیم داشتند (p<۰/۰۱). در نتیجه با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر تمایزیافتگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان هم بصورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق تغییرات تعارض زناشویی در میزان طلاق عاطفی زنان متعارض نقش مهمی دارد. لذا، درمانگران به ویژه در حوزه زوج درمانی می‌توانند از یافته‌های این پژوهش در جهت کاهش طلاق عاطفی در زندگی زوجین بهره بگیرند.

***نویسنده مسئول:**

پست الکترونیکی: shahriardargahi@yahoo.com

استناد به این مقاله:

درگاهی، شهریار، اعیادی، نادر، خبازی، مریم (۱۴۰۳). روابط علی تمایزیافتگی، پرخاشگری ارتباطی پنهان و طلاق عاطفی در زنان متعارض با میانجی‌گری تعارض زناشویی. *روانشناسی خانواده*، ۱۱(۱)، ۴۸-۶۱.

مقدمه

ازدواج امری ضروری و بستری ایمن برای برآوردن نیازهای مختلف انسانی است که به سلامت جسمی، عاطفی و اقتصادی مردان و زنان کمک می‌کند (Rehim et al., 2020; Strizzi et al., 2021). ازدواج شاد یک عامل کلیدی در ارتقای سلامت جسمی و روانی است. اما گاهی اوقات بی‌توجهی به ازدواج و بی‌توجهی به نیازهای آن می‌تواند منجر به ازدواج ناموفق و پیامدهای منفی مانند آشفتگی و جدایی در خانواده شود (Ayadi et al., 2022). یکی از مهم‌ترین نمودهای آشفتگی و گسستگی در خانواده و تهدید جدی برای زندگی زناشویی طلاق عاطفی است که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش می‌کشد و سبب بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی می‌شود (Firouzjayaan et al., 2017). مطالعات نشان داده‌اند که خانواده‌هایی که در آنها طلاق عاطفی وجود دارد نسبت به خانواده‌های عادی قادر به حل مشکلات و تعارض‌های خود نیستند، ارتباط عاطفی اعضای خانواده ناکارآمد و مختل است و در زمینه تعامل نقش‌ها و عملکرد کلی به طرز ضعیفی عمل می‌کنند (Salehi Amiri et al., 2014).

اگر چه در نخستین روزهای ازدواج، زوجین به یکدیگر احساس تعهد دائمی می‌کنند، لیکن برخی از زوجین به تدریج دچار تعارض می‌شوند (Wilson et al., 2017). تعارض زناشویی یکی از بحران‌های خانوادگی و اجتماعی است که در بسیاری از موارد موجب عدم تعادل خانواده گشته و به‌عنوان یکی از حوادث تنش‌زا، ثبات خانواده را درهم شکسته و سلامت جسمی، روانی و اجتماعی اعضای آن را تهدید می‌کند و با تاثیر گذاری بر کیفیت زندگی زوجین و رضایت زناشویی آنها می‌تواند سبب بروز طلاق در خانواده شود (Rezapour Mirsaleh et al., 2022). در یکی از جدیدترین پژوهش کیفی که در ایران انجام گرفته است دخالت دیگران (تمایز نایافتگی زوجی)، اختلالات و آسیب‌های حل نشده گذشته و فعلی، مسایل اقتصادی و مالی، مولفه‌های فردی زوجین، بحران‌ها و نقاط عطف زندگی و پناهگاه مجازی از جمله مهترین عوامل بروز تعارض زناشویی در بین زوجین ایرانی شناسایی شده‌اند (Rabbani et al., 2022).

تعارض زناشویی ناشی از اختلاف نظرها و اختلاف عقاید بین زوجین را می‌توان به طور مثبت - از طریق بحث، مذاکره، و پذیرش تفاوت‌های فردی - یا منفی - از طریق سوء استفاده و یا پرخاشگری علیه شریک زندگی کنترل کرد (Ali et al., 2022). در واقع، خشونت و پرخاشگری در زندگی زناشویی یکی از عوامل بسیار مهم در دلزدگی زناشویی و سوق دادن زوجین به سمت طلاق است که با انباشته کردن سرخوردگی‌ها و تنشهای زندگی روزمره، سبب فرسایش می‌شود و بر کیفیت زندگی تأثیر معکوس و معناداری بر جای می‌گذارد (Afshani et al., 2024). پرخاشگری هم به صورت واکنش آشکار همراه با درگیری فیزیکی یا لفظی بروز می‌کند و هم به صورت پنهان با مخفی کردن علائم ظاهری، در درون افراد شکل می‌گیرد (Siadat et al., 2023).

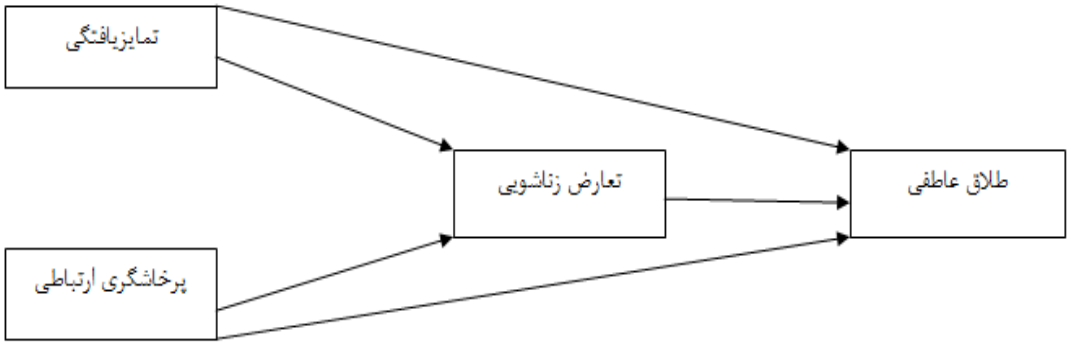
پرخاشگری ارتباطی پنهان، به آسیب رساندن به همسر ازطریق دستکاری روابط اجتماعی آنها به‌وسیله شایعه پراکنی، کناره‌گیری از عشق و محبت و تحریک حسادت اشاره دارد (Moroń & Mandal, 2021). این نوع از پرخاشگری شامل دو مولفه کناره گیری عاطفی و تخریب وجهه اجتماعی است و بدین شکل است که فرد، از ابراز محبت یا صمیمیت جنسی خودداری و به خراب کردن وجه اجتماعی همسر ازطریق بدگویی، شایعه‌پراکنی، درمیان گذاشتن اطلاعات خصوصی وی با دیگران یا فراهم‌کردن امکان دخالت دیگران در جریان بحث‌ها و مشاجرات اقدام می‌کند (Clifford, 2013). مطالعات انجام شده نشان داده‌اند که پرخاشگری در یک رابطه زناشویی می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی، حسادت و ناامیدی شود و همچنین کیفیت رابطه را برای هر دو همسر کاهش دهد و در نتیجه باعث بحران اعتماد زناشویی شود (Siadat et al., 2023).

یکی از عواملی که در بروز تعارض زناشویی نقش دارد، ضعف در تمایزیافتگی خود و نداشتن احساس قوی در هویت‌یابی است (Rashidi et al., 2022). این در حالی است که افراد با سطوح بالاتر تمایزیافتگی، در روابط با همسرشان انعطاف‌پذیرترند و سطوح پایین‌تری از تعارض زوجی و خانوادگی و رضایت بالاتری از روابط زناشویی نشان می‌دهند (Dokuzlar et al., 2024). تمایز یافتگی، همانطور که توسط بوئن تعریف شده، ساختار گسترده‌ای است که جنبه‌هایی از عملکرد بین‌فردی و درون‌فردی را در بر

می‌گیرد. فرد کاملاً متمایز، استقلال و ارتباط را در روابط می‌آمیزد، کنترل واکنش‌های عاطفی را نشان می‌دهد و احساس پایداری از خود را حفظ می‌کند (Timmons et al., 2017). افراد با الگوهایی از سبک زندگی و سطح تمایز که در خانواده مبدأ رشد یافته وارد زندگی زناشویی می‌شوند. زن و شوهری که با هم ازدواج کرده‌اند و یک سیستم جدید تشکیل داده‌اند ممکن است به سیستم خانواده‌های قبلی‌شان وابسته باشند و این منجر به بروز تغییراتی در سیستم جدید آنها شود. بسیاری از اوقات تعارضهایی که بین زن و شوهر رخ می‌دهد، حاصل تأثیر متقابل این سیستم‌های خانوادگی است (Khosravi et al., 2021). شواهد تجربی به طور گسترده از تأثیر سطح تمایز خود بر ابعاد سلامت روان و نشانگان اختلالات روانی سخن به میان آورده و تمایزیافتگی خود را عامل مهمی در ارتقای سلامت روان (Willis et al., 2020) و کاهش طلاق (Dehno, 2023) دانسته‌اند. طوری که محققان در پژوهشی نقش مستقیم و غیرمستقیم تمایزیافتگی پایین از طریق الگوهای ارتباطی بر طلاق عاطفی را نشان داده‌اند (Ahmadi et al., 2024).

مروری بر پیشینه پژوهشی موجود نشان می‌دهد که طلاق عاطفی به دلیل همراه بودن با احساسات منفی متعدد در رابطه زناشویی همچون پرخاشگری، اضطراب، ناامیدی و بی‌اشتیاقی می‌تواند آسیب‌های جدی بر سلامت روان اعضای خانواده و به ویژه زوجین وارد کند (Salehi Amiri et al., 2014). مطالعات نشان می‌دهد این مفهوم در گذشت زمان و رابطه ی فرسایشی ناشی از یک تعارض شدید و پریشانی زناشویی بین زوجین پدید می‌آید (Al-Dmour et al., 2024) که این امر شناسایی عوامل موثر در بروز پدیده طلاقی عاطفی و متغیرهای مرتبط مستقیم و غیرمستقیم را برای اتخاذ راهبردهای مداخله‌ای مناسب ضروری می‌کند.

پژوهش‌های مختلفی به بررسی تاثیر و نقش متغیرهای پیش بین به ویژه تمایزیافتگی بر تعارض زناشویی و طلاق عاطفی پرداخته است. با این حال تاکنون پژوهشی به صورت یکپارچه و در قالب روابط علی به بررسی روابط بین این متغیرها به خصوص پرخاشگری ارتباطی پنهان و نحوه تاثیرگذاری و تاثیرپذیری هر کدام از آنها از یکدیگر در جهت کاهش یا افزایش متغیر ملاک یعنی طلاق عاطفی انجام نشده است. لذا، با توجه به خلأ پژوهشی موجود هدف از این مطالعه بررسی روابط علی تمایزیافتگی، پرخاشگری ارتباطی پنهان و طلاق عاطفی در زنان با میانجی‌گری تعارض زناشویی بود. که مدل مفهومی حاصل از فرضیه پژوهش به شکل زیر است.



روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی با مدلیابی معادلات ساختاری (SEM) بود. جامعه آماری پژوهش شامل همه زنان مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره بهزیستی شهر خلخال در سال ۱۴۰۲ بودند که درگیر مشکلات خانوادگی و خواستار طلاق بودند. در انتخاب حجم نمونه سعی شد زنانی که دچار تعارض زناشویی بالایی بودند انتخاب شود که با در نظر گرفتن طرح پژوهش و جلب رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان برای مشارکت در پژوهش ۲۰۰ نفر از زنانی که دچار تعارض زناشویی بودند و در مصاحبه‌های اولیه مشاوران این مراکز (پرونده مراجعان) طلاق عاطفی آنها به صورت متوسط گزارش شده بود به عنوان حجم نمونه نهایی با

استفاده روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. با توجه به تعداد پارمترهای موجود در مدل (۳۵ پارامتر) حداقل حجم نمونه برای این پژوهش (۱۷۵= ۳۵× ۵) ۱۷۵ نمونه به دست آمد که جهت افزایش قدرت تعمیم یافته‌ها به ۲۰۰ نفر افزایش داده شد (Sobhanifard, 2016). در این پژوهش تلاش بر آن شد که پاسخ‌دهندگان با علاقه و تمایل در پژوهش شرکت کنند و با اطلاع از هدف پژوهش و رضایت آگاهانه به پرسشنامه‌ها پاسخ دهند. به منظور رعایت کامل ملاحظات اخلاقی در این پژوهش بی‌نام بودن پرسشنامه (رعایت محرمانگی) و رعایت حقوق معنوی مشارکت‌کنندگان نیز توجه خاص شده است. همچنین، در ملاحظات اخلاقی این مطالعه می‌توان به اخذ کد اخلاق از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل اشاره کرد که با شناسه اخلاق IR. IAU. ARDABIL . REC. 1402.064 مصوب گردید.

ابزارسنجش

مقیاس تعارض زناشویی: این مقیاس دارای ۴۲ سؤال است که توسط Barati (1994) ساخته شده که حیطه‌های تعارض زوج‌ها را در شش مولفه کاهش همکاری (سوالات۲۷،۲۱،۱۹،۹،۳)، کاهش رابطه جنسی (سوالات۳۳،۲۸،۱۵،۱۰،۴)، افزایش واکنش‌های هیجانی (سوالات۴۱،۳۹،۳۴،۲۹،۲۲،۱۶،۱۱،۵)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود (سوالات۳۵،۳۰،۲۳،۱۷،۱۲،۶)، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان (سوالات۴۲،۴۰،۳۷،۲۵،۱۹،۱)، جداکردن امور مالی از همدیگر (سوالات ۳۸،۳۲،۲۶،۲۰،۱۳،۸،۲) و افزایش جلب همکاری فرزند با سوالات۳۶،۳۱،۲۴،۱۸،۷) می‌سنجد. نمره‌گذاری این پرسشنامه در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از هرگز ۱، به ندرت ۲، گاهی اوقات ۳ ، اغلب اوقات ۴ و همیشه ۵ صورت می‌گیرد. پایایی کلی این ابزار Barati (1994) برابر با ۰/۹۶ گزارش شده است (Pirsaghi et al., 2015). در مطالعه حاضر نیز پایایی این ابزار با استفاده از روشهای آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۶ به دست آمد.

مقیاس طلاق عاطفی: مقیاس طلاق عاطفی برای اندازه‌گیری میزان طلاق عاطفی افراد در سال ۱۹۹۹ توسط Gottman در ۲۴ گویه طراحی شده است. این پرسشنامه تک عاملی بوده و فاقد مؤلفه می باشد. نمره‌گذاری این پرسشنامه در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از هرگز ۵، به ندرت ۴، گاهی اوقات ۳ ، اغلب اوقات ۲ و همیشه ۱ است. Mousavi and Rahiminezhad (2015) پایایی کل این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ برای تعداد ۲۰۰ زن و مرد متأهل ساکن شهر قزوین که حدود ۵ سال از ازدواج آنها گذشته بود، به میزان ۰/۹۳ گزارش کردند. همچنین آنها برای بدست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریماکس و آزمون اسکری استفاده کردند و چهار عامل جدایی و فاصله از یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم صحبت و احساس بی حوصلگی و بیقراری را مشخص کردند. مقادیر اشتراک و بار عاملی گویه های مقیاس و بار عاملی گویه های مقیاس نشان داد که بار عاملی همه سؤالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته، بار عاملی قبل قبولی دارند (Hosseinaei & Kaviani, 2019). پایایی طلاق عاطفی در این تحقیق در بین ۳۰ نفر ۰/۸۹ به‌دست آمد.

مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان: مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان توسط Nelson and Carroll (2006) به منظور سنجش کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی در روابط زوجین ساخته شده است. مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان دارای ۱۲ سؤال با دو مولفه: کناره گیری عاطفی شامل سؤالات ۱ تا ۶ و خراب کردن وجهه اجتماعی شامل سؤالات ۷ تا ۱۲ است. Nelson and Carroll (2006) ضریب آلفای کرونباخ نمرات کناره‌گیری عاطفی را برای مردان۰/۹۰و برای همسران آن‌ها ۰/۸۶ و همچنین آلفای کرونباخ خراب کردن وجهه اجتماعی را برای شوهران ۰/۸۸ و برای همسران آن ها۰/۹۰ گزارش کردند. Meng (2013) نیز در پژوهشی روایی سازه این مقیاس را با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی بررسی و تایید کرده است و پایایی آن را با ضریب آلفای کرونباخ برای خراب کردن وجهه اجتماعی و کناره گیری عاطفی به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۸۶ در مردان و ۰/۸۸ و۰/۹۰ در زنان گزارش کرده است (Mikaeili & Ebadi, 2022). در ایران Hamidikian et al. (2022) پس از ترجمه و تائید این

پرسشنامه، توسط ۴ تن از اساتید متخصص (رشته روانشناسی و مشاوره) روایی سازه آن با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی و تحلیل عاملی تأییدی و همچنین ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸عامل‌هاگزارش کرده‌اند. پایایی پرخاشگری ارتباطی پنهان در این تحقیق ۰/۸۴ به‌دست آمد.

مقیاس تمایزیافتگی: مقیاس ۴۵ گویه‌ای Skowron and Schmitt (2003) شامل چهار خرده مقیاس به صورت زیر است: واکنش‌پذیری عاطفی (از سوال 11– 1)، جایگاه من (از سوال 22– 12)،گریز عاطفی (از سوال 34– 23) و آمیختگی با دیگران (از سوال 45– 35). نمره‌گذاری این مقیاس در طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از هرگز ۱، به ندرت ۲، گاهی اوقات ۳ ، اغلب اوقات ۴ و همیشه ۵ انجام می‌شود. Skowron and Schmitt (2003) برای این ابزار ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ گزارش کردند. Jahanbakhshi and Kalantarkousheh (2012) روایی این پرسشنامه را قابل قبول و ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و آمیختگی عاطفی با دیگران را به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۶۴، ۰/۶۱، ۰/۷۵ گزارش کردند. پایایی نمره کل این مقیاس در این تحقیق ۰/۸۷ به‌دست آمد. جهت رعایت اصول اخلاقی پژوهش، بعد از تشریح کامل هدف پژوهش و اطمینان‌دهی در مورد محرمانه ماندن اطلاعات شرکت‌کنندگان، رضایت کتبی و آگاهانه‌ی افراد مورد نظر برای شرکت در پژوهش اخذ گردید.

برای تحلیل داده‌های تحقیق حاضر از آماره‌های توصیفی (میانگین، انحراف معیار) آزمون کولموگروف–اسمیرنوف (جهت سنجش پیش فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها)، ماتریس همبستگی و مدلیابی معادلات ساختاری استفاده شد که همه‌ی این آزمون‌ها با استفاده از با استفاده از نرم افزار SPSS22 و Amos23 تحلیل شدند.

یافته‌ها

در این پژوهش از میان ۲۰۰ نفر شرکت‌کننده نهایی در پژوهش از نظر متغیر سن بیشترین میزان پاسخ دهندگان در بازه سنی ۳۱–۳۵ سال و کمترین تعداد در بازه سنی ۵۰–۴۶ قرار داشتند. همچنین، از نظر تحصیلات بیشترین میزان پاسخ‌دهندگان ۲۵ درصد (۵۰ نفر) دارای تحصیلات لیسانس و کمترین تعداد ۱۳/۵ درصد (۲۷ نفر) دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند. علاوه‌براین، از نظر وضعیت اشتغال ۴۶ نفر (۲۳ درصد) دارای شغل آزاد، ۵۰ نفر (۲۵ درصد) کارمند و ۱۰۴ نفر (۵۲ درصد) خانه‌دار بودند.

جدول۱. یافته‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

مولفه	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
طلاق عاطفی	۳۶	۹۸	۵۶/۲۶	۱۳/۳۶۵	۰/۴۳۳	-۱/۰۴
تمایزیافتگی	۸۹	۱۴۸	۱۳۵/۲۰	۱۹/۲۵۷	۰/۰۸۰	۱/۱۲
پرخاشگری ارتباطی پنهان	۱۳	۵۶	۴۷/۳۵	۹/۴۵۷	-۰/۸۷۴	۰/۹۷۷
تعارض زناشویی	۵۱	۱۹۴	۱۳۰/۰۴	۳۲/۸۵۸	۰/۳۳۱	۱/۰۲

براساس جدول ۱، میانگین (انحراف استاندارد) متغیر طلاق عاطفی ۵۶/۲۶ (۱۳/۳۶)، تمایزیافتگی ۱۳۵/۲۰ (۱۹/۲۵)، پرخاشگری ارتباطی پنهان ۴۷/۳۵ (۹/۴۵) و تعارض زناشویی ۱۳۰/۰۴ (۳۲/۸۵) بود. برای بررسی نرمال بودن از آزمون کجی و کشیدگی استفاده شد که نتایج آن در تمامی متغیرها بین ۱/۹۶ + و ۱/۹۶- می‌باشد که با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت توزیع داده‌ها نرمال می‌باشد. از آنجایی که یکی از مفروضه‌های اصلی تحلیل‌های آماری بررسی نرمال بودن توزیع داده‌هاست برای این منظور از آزمون کولموگروف – اسمیرنوف استفاده شد که نتایج حاصل از این آزمون نشان داد که سطح معناداری مقادیرz محاسبه شده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف همگی از (۰/۰۵) بیشتر هستند و این نشان می‌دهد که فرض نرمالیتی داده‌ها رعایت شده است و برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک در تحلیل داده‌ها ممانعتی وجود ندارد.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ماتریس همبستگی	طلاق عاطفی	تمایزیافتگی	پرخاشگری ارتباطی	تعارض زناشویی
طلاق عاطفی	۱	۰/۶۵۴** -	۰/۵۴۳**	۰/۵۱۹**
تمایزیافتگی	۰/۶۵۴** -	۱	۰/۵۳۶** -	۰/۶۲۶** -
پرخاشگری ارتباطی پنهان	۰/۵۴۳**	۰/۵۳۶** -	۱	۰/۷۱۴**
تعارض زناشویی	۰/۵۱۹**	۰/۶۲۶** -	۰/۷۱۴**	۱

**p<۰/۰۱ *p<۰/۰۵

جدول ۲ نشان داد که بین تمایزیافتگی با تعارض زناشویی (r=-۰/۶۲۶) رابطه منفی و معکوس وجود دارد (p<۰/۰۱)، بین پرخاشگری ارتباطی پنهان با تعارض زناشویی (r=۰/۷۱۴) رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد (p<۰/۰۱) و بین تعارض زناشویی با طلاق عاطفی (r=۰/۵۹۱) رابطه مستقیم و مثبت وجود دارد (p<۰/۰۱).

جدول۳. شاخص‌های برازش کلی مدل

نام شاخص	شاخص‌های برازش	
	مقدار	حد مجاز
$\frac{\chi 2}{df}$	۲/۷۳	کمتر از ۳
RMSEA[1] (ریشه میانگین خطای برآورد)	۰/۰۷۶	کمتر از ۰/۱
CFI[2] (برازندگی تعدیل یافته)	۰/۹۹۱	بالاتر از ۰/۹
NFI[3] (برازندگی نرم شده)	۰/۹۰۱	بالاتر از ۰/۹
GFI[4](نیکویی برازش)	۰/۹۱۰	بالاتر از ۰/۹

با توجه به یافته‌های جدول ۳ شاخص‌های برازش ارائه شده در جدول در سطح مطلوب قرار دارند. لذا، چنین می‌توان گفت که مدل آزمون شده از برازش مناسبی برخوردار است. اثرات مستقیم تمایزیافتگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان و تعارض زناشویی بر طلاق عاطفی و اثر مستقیم تمایزیافتگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان بر تعارض زناشویی در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول۴. ضرایب استاندارد و اثر مستقیم متغیرها در مدل مسیر پیشنهادی

متغیرها	ضریب مسیر استاندارد	آماره T	سطح معنی داری
تمایز یافتگی ← تعارض زناشویی	۰/۳۹۷ -	۲/۴۲۲	۰/۰۰۱
تمایز یافتگی ← طلاق عاطفی	۰/۴۹۵ -	۳/۲۵۶	۰/۰۰۱
پرخاشگری ارتباطی پنهان ← تعارض زناشویی	۰/۴۲۰	۲/۶۵۴	۰/۰۰۱
پرخاشگری ارتباطی پنهان ← طلاق عاطفی	۰/۵۹۱	۳/۲۱۴	۰/۰۰۱
تعارض زناشویی ← طلاق عاطفی	۰/۴۴۳	۳/۱۱۵	۰/۰۰۱

1. Root Mean Square Error Approximation
2. Comparative Fit Index
3. Normed Fit Index
4. Goodness of Fit Index

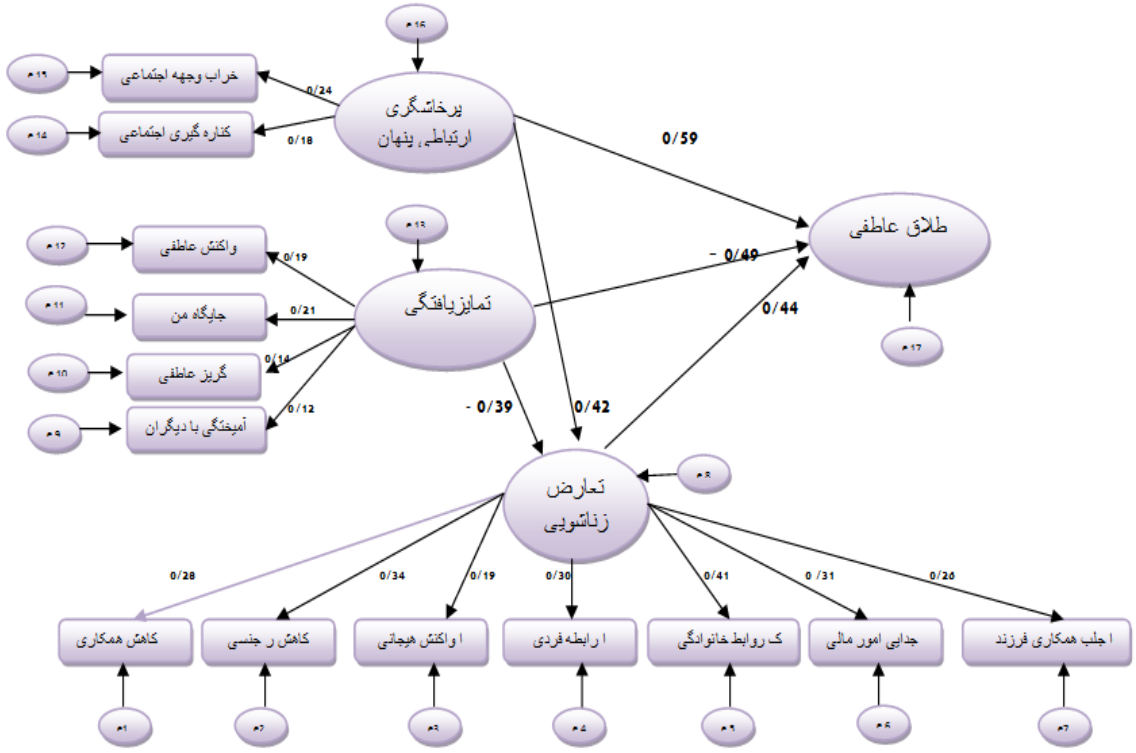
جدول ۴ نشان می‌دهد که اثر مستقیم تمایزیافتگی بر تعارض زناشویی (β= -۰/۳۹۷ و P=۰/۰۰۱) و طلاق عاطفی (β= -۰/۴۹۵ و P=۰/۰۰۱) معنادار و منفی است. همچنین، اثرمستقیم پرخاشگری ارتباطی پنهان بر تعارض زناشویی (β=۰/۴۲۰ و P=۰/۰۰۱) و طلاق عاطفی (β=۰/۵۹۱ و P=۰/۰۰۱) معنادار و مثبت است. علاوه‌براین، اثر مستقیم تعارض زناشویی بر طلاق عاطفی هم مثبت و معنادار است (β=۰/۴۴۳ و P=۰/۰۰۱).

جهت بررسی اثر غیرمستقیم تمایزیافتگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان بر طلاق عاطفی در زنان با میانجی‌گری تعارض زناشویی از روش بوت استراپ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. اثر غیرمستقیم تمایزیافتگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان بر طلاق عاطفی در زنان با میانجی‌گری تعارض زناشویی

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	بوت استراپ	خطای معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪		معناداری
					حد پایین	حد بالا	
تمایز یافتگی	تعارض زناشویی	طلاق عاطفی	-۰/۲۱۲	۰/۳۸۲	۰/۰۳۳	۰/۷۸۰	۰/۰۲۷
پرخاشگری ارتباطی پنهان	تعارض زناشویی	طلاق عاطفی	۰/۲۷۷	۰/۴۷۱	۰/۰۹۷	۰/۴۹۱	۰/۰۴۸

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، نتایج روش بوت استراپ نشان داد که متغیر تعارض زناشویی در رابطه تمایزیافتگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان با طلاق عاطفی نقش میانجی (غیر مستقیم) ایفا می‌کند. چرا که هر دو مقدار بالا و پایین مثبت بودند و صفر را شامل نمی‌شدند که این دلیلی بر وجود رابطه غیر مستقیم تعارض زناشویی در این مسیر است (p<۰/۰۵).



شکل ۲. مدل استاندارد اثر میانجی تعارض زناشویی در رابطه پرخاشگری ارتباطی پنهان، تمایز یافتگی با طلاق عاطفی

بحث

هدف پژوهش حاضر تعیین روابط علی تمایزیافتگی، پرخاشگری ارتباطی پنهان و طلاق عاطفی در زنان با میانجی‌گری تعارض زناشویی بود. نتایج نشان داد که اثر مستقیم تمایزیافتگی بر طلاق عاطفی منفی و معنادار بود. این یافته با نتایج مطالعات Rashidi et al. (2022), Alijani et al. (2022), Dehno (2023) همسو است مبنی بر اینکه ضعف در تمایزیافتگی خود با گسترش تعارض زناشویی رابطه دارد. در تبیین این یافته می‌توان از نظریه بین نسلی بوئن بهره گرفت و تمایز یافتگی را در دو سطح تمایزیافتگی خود و تمایزیافتگی از خانواده اصلی مورد بررسی قرار داد. زنانی که از سطح تمایزیافتگی خود بالایی برخوردارند، به دلیل توانایی مدیریت هیجانات خود در مواجهه با چالش‌های زندگی زناشویی ضمن حفظ انعطاف‌پذیری روان‌شناختی خود، از بروز واکنش‌های هیجانی افراطی جلوگیری می‌کنند. در چنین حالتی به راحتی می‌توانند در مقابل استرسورهای موجود در محیط خانواده از عزت‌نفس خود محافظت نمایند و به تبع آن سطح اضطراب پایینی تجربه می‌کنند. در واقع، تمایزیافتگی به زنان این کمک را می‌کند تا در ارتباط با همسر و همچنین، هنگام بروز مشکل در روابط زناشویی کمتر به صورت اتوماتیک یا خودکار واکنش نشان بدهند بلکه با سنجش دقیق موقعیت پیش‌رو متناسب با نیازهای موقعیت و مسئله‌ای که با آن مواجه شده‌اند واکنش مطلوبی داشته باشند که این امر ضمن کمک به حل درست مسئله زناشویی زوجین را در برابر مشکلات غیرقابل پیش‌بینی زندگی زناشویی همچون طلاق عاطفی واکسینه می‌کند (Goldenberg & Goldenberg, 2013). به طور کلی افرادی که بیشترین هم جوشی را بین افکار و احساساتشان دارند، ضعیف‌ترین کارکرد را در نقش‌های مختلف از جمله نقش همسری ایفا می‌کنند. همچنین در تبیین سطح دوم تمایزیافتگی نیز می‌توان گفت زنان و یا مردانی که در زندگی مشترک تمایزیافتگی پایینی از خانواده اصلی خود دارند در بسیاری از موقعیت‌های زندگی به لحاظ شناختی و هیجانی وابسته خانواده بوده و توانایی پایینی در استقلال و پاسخ منطقی در برابر خواسته‌های اطرافیان دارند و در مواجهه با مشکلات به سرعت به خانواده خود پناه برده و به سهولت به اعضای خانواده فرصت دخالت در امور شخصی می‌دهند که پیامدهای آن در تخریب رابطه زناشویی بر کسی پوشیده نیست. بنابراین، زوجین با تمایزیافتگی پایین در برابر استرسورهای زندگی مشترک و ناملایمات با چالش‌های متعددی مواجهه می‌شوند زمینه‌ی بی‌اعتمادی، ناامیدی و خستگی از رابطه را فراهم می‌سازد.

نتایج دیگر این پژوش نشان داد که پرخاشگری ارتباطی پنهان بر طلاق عاطفی اثر مستقیم و مثبتی دارد. این یافته با نتایج پژوهش Siadat et al. (2023) و Kim et al. (2016) همسو است مبنی بر اینکه هر چه میزان پرخاشگری ارتباطی پنهان در رابطه زناشویی بیشتر باشد احتمال تجربه طلاق عاطفی افزایش می‌یابد. از آنجایی که پرخاشگری ارتباطی پنهان مشتمل بر دو مؤلفه خراب کردن وجهه اجتماعی و کناره‌گیری عاطفی نشانگر وجود احساسات منفی و خصومت ابراز نشده نسبت به همسر می‌باشد که با هدف صدمه زدن به او ابراز می‌شود (Khazaei et al., 2018). پرخاشگری ارتباطی پنهان را می‌توان نوعی دفاع‌های ناکارآمد در برابر ناملایمات زندگی زوجی تلقی کرد. دفاعی که به طور موقت از طریق اجتناب از تعارض و بروز هیجانات اصلی به صورت مانعی برای ارضای نیازهای روانی-هیجانی زوجین در رابطه زناشویی عمل می‌کند. لذا، عدم بروز و ارضای نیازهای روانی-هیجانی در سایه‌ی اجتناب از تعارض و هیجانات منفی و نشان دادن آن در قالب پرخاشگری ارتباطی پنهان موجب حل نشدن تعارض و ناهمخوانی بین انتظار زوجین از ازدواج و با آنچه که در زمان حال تجربه می‌کنند می‌شود که خود باعث ایجاد احساس یأس و دلسردی در آنها نسبت به زندگی مشترک می‌شود.

نتایج دیگر این پژوهش نشان داد که تعارض زناشویی در رابطه بین تمایزیافتگی با طلاق عاطفی در زنان نقش میانجی ایفاء می‌کند. این یافته با نتیجه مطالعه Dokuzlar et al. (2024), Simon et al. (2019) همسو است که نشان دادند سطح بالای تمایزیافتگی با افزایش انعطاف‌پذیری روانی با سطوح‌پایین‌تری از تعارض زوجی و خانوادگی و در نتیجه رضایت بالاتری از روابط زناشویی همراه است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت افزایش تمایزیافتگی به فرد کمک می‌کند تا به موقعیت‌های گوناگون کنترل موفقی داشته باشد و توانایی بیشتر در کسب جایگاه من در ارتباطات بین فردی، همراه با واکنش پذیری عاطفی، داشته باشد که تضمین کننده بهبودی سطح کیفیت زندگی زناشویی می‌باشد (Rezvani & Saemi, 2019). فرد کمتر تمایز یافته رفتار واکنشی دارد و بیشتر انرژی‌اش را در جهت تجربه احساسات و شدت این احساسات به کار می‌گیرد. برای چنین فردی، احتمالاً مشکل است که در پاسخ به هیجانات دیگران واکنش یا پاسخ مناسبی داشته باشد. این افراد به راحتی باعث ایجاد تنش بین خود و دیگران می‌شوند و تعارضات شدیدی را در روابط میان فردی تجربه می‌کنند. همچنین وقتی تعاملات میان‌فردی، شدید هستند، افراد کمتر تمایز یافته ممکن است خودشان را همانند احساساتشان از دیگران مجزا کنند، اهمیت خانواده را انکار کنند و یک نمای افراطی از استقلال را نشان دهند. آنها احتمالاً تحت سلطهٔ واکنش‌های عاطفی خودکار یا غیرارادی هستند و معمولاً حتی در برابر سطوح پایین اضطراب هم دچار بدکارکردی می‌شوند و پرخاشگری می‌کنند که این عوامل می‌توانند منجر به بروز تعارض زناشویی شدید و ناسازگاری و نهایتاً طلاق عاطفی میان زوجین گردند (Peleg-Popko, 2002).

علاوه‌براین، نتایج دیگر این پژوهش نشان داد که تعارض زناشویی در رابطه بین پرخاشگری ارتباطی پنهان با طلاق عاطفی نقش میانجی ایفاء می‌کند. این یافته با نتیجه مطالعه Salehi Amiri et al. (2014) همسو است مبنی بر اینکه وجود کانال ارتباطی ناکارآمد بین اعضای خانواده با افزایش تعارض بین آنها و تضعیف عملکرد آنها در روابط زوجی و خانوادگی با بروز طلاق عاطفی در خانواده همراه است. علاوه‌براین، Afshani et al. (2024) گزارش کردند که خشونت و پرخاشگری در زندگی زناشویی با انباشته کردن سرخوردگی‌ها و تنشهای زندگی روزمره، سبب فرسایش می‌شود و بر کیفیت زندگی تأثیر معکوس و معناداری بر جای می‌گذارد. در تبیین این یافته می‌توان از رویکرد Gottman et al. (1995) استفاده کرد که معتقد بود، وجود تعارض در تمامی روابط انسانی و علی الخصوص روابط زناشویی به خودی خود مشکل‌ساز نیست و جزء فرآیند طبیعی زندگی زناشویی است اما این تعارض زمانی که به صورت سازگارانه در موردش گفت‌وگو صورت نگیرد و زوجین با اتخاذ تدابیر حل تعارض ناسازگارانه به جای حل تعارض درصدد اجتناب از آن باشند در این صورت انباشته شدن تعارض‌های حل نشده با افزایش میزان عواطف منفی در ازدواج می‌تواند به افزایش فرسودگی در روابط زناشویی بیانجامد که در بلند مدت می‌تواند در قالب طلاق عاطفی بروز نماید (Kim et al., 2016). بنابراین، پرخاشگری ارتباطی پنهان که نوعی ابراز غیرمستقیم و ناسازگارانه احساسات در زندگی زوجی است نه تنها به حل تعارض کمک نمی‌کند بلکه با افزایش احساسات منفی در روابط بین زوجین و وارد کردن آنها به الگوی تعاملی منفی و اجتنابی شاید در کوتاه‌مدت به صورت مسکن عمل کند ولی در بلند مدت با انباشت عواطف منفی در رابطه زناشویی می‌تواند فاصله‌گیری عاطفی زوجین از یکدیگر را تیع ببخشید و باعث بروز پدیده‌ای همچون طلاق عاطفی در ازدواج شود (Moroń & Mandal, 2021).

از مهم‌ترین محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به انتخاب شرکت‌کنندگان از یک شهر و جنسیت اشاره کرد که قدرت تعمیم یافته‌ها را کاهش می‌دهد. لذا پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در تحقیقات آتی علاوه بر اجرای پژوهش در شهر و فرهنگ مختلف، مدل مفهومی مختلفی را برای تبیین طلاق عاطفی در زوجین ترسیم و مورد بررسی قرار بدهند.

در مجموع، با توجه به یافته‌های به دست آمده از پژوهش حاضر می‌توان نتیجه گرفت که تمایزیافتگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان متغیرهای مهمی در میزان تعارض بین زوجین و در نتیجه طلاق عاطفی آنها می‌باشند. بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر مسیر روشنی در جهت کاهش تعارضات زناشویی و در نتیجه طلاق عاطفی زنان برای درمانگران باز می‌کند.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از مشارکت تمامی افراد شرکت‌کننده در این پژوهش کمال تشکر و قدردانی خود را اعلام نمایند.

تعارض منافع

هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان گزرش نشده است.

References

Afshani, S. A., Abooei, A., & Asihaddad, F. (2024). The relationship between aggression and quality of life of couples seeking divorce. *Journal of the Iranian Institute for Health Sciences Research*, *23*(1), 90-100. http://dx.doi.org/10.61186/payesh.23.1.91 [In Persian]

Ahmadi, E., Jahangir, P., & Niknam, M. (2024). Predicting Emotional Divorce Based on Differentiation with the Mediation of Communication Patterns. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies (JAYPS)*, *5*(2), 105-113. https://doi.org/10.61838/kman.jayps.5.2.12

Al-Dmour, S. M., & halim Arabiyat, A. A. (2024). The Predictive Ability of Marital distress in Emotional Divorce among married teachers in Karak Governorate. *Jordanian Educational Journal*, *9*(2), 343-368. https://doi.org/10.46515/jaes.v9i2.710

Ali, P. A., McGarry, J., & Maqsood, A. (2022). Spousal role expectations and marital conflict: perspectives of men and women. *Journal of interpersonal violence*, *37*(9-10), NP7082-NP7108. https://doi.org/10.1177/0886260520966667

Alijani, F., Najafi, S., & Nazari, F. (2022). The role of psychological capital and differentiation of self in predicting emotional divorce in female teachers. *Journal of Health Promotion Management*, *11*(4), 12-23. http://dx.doi.org/https://doi.org/10.22034/JHPM.11.4.12 [In Persian]

Ayadi, N., Fatehizade, M., Zare, K., & Ebrahimi, H. (2022). Comparing attitudes toward marriage and spouse selection criteria among people on the verge of first marriage and remarriage. *International Journal of Behavioral Sciences*, *16*(1), 17-22. https://doi.org/10.30491/ijbs.2022.309181.1666

Barati, T. (1994). The effect of marital conflicts on mutual relations between husband and wife. Master's Thesis in Counseling, Islamic Azad University, Rudehen Branch [In Persian]

Clifford, C. E. (2013). *Attachment and Covert Relational Aggression in Marriage with Shame as a Potential Moderating Variable: A Two Wave Panel Study*. Brigham Young University. http://hdl.lib.byu.edu/1877/etd6362

Dehno, H. E. (2023). Predicting Emotional Divorce Based on Self-Differentiation and Marital Expectations in Women. *Psychology of Woman Journal*, *4*(4), 9-16. https://doi.org/10.61838/kman.pwj.4.4.2

Dokuzlar, Ş., Özbiler, Ş., Schweer-Collins, M., & Isık, E. (2024). The Mediating Role of Emotional Expressivity Between Differentiation of Self and Co-dependency among Couples: A Common Fate Mediation Model. PREPRINT (Version 2) available at Research Square https://www.researchsquare.com/article/rs-4283543/v2

Firouzjayaan, A., Riahi, M. E., & Mohammadi, D. M. (2017). Sociological analysis of emotional divorce among Noshahr's spouse. Quarterly Journal of Socio - Cultural Development Studies, 5(3): 34-59. http://journals.sabz.ac.ir/scds/article-1-306-fa.html [In Persian]

Goldenberg, H., & Goldenberg, I. (2013). Family Therapy (8th ed.). Belmont, CA: Brooks/Cole, Cengage Learning. https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=1188643

Gottman, J. M. (1999). *Marriage clinic: A scientifically based marital therapy*. WW Norton & Company. https://psycnet.apa.org/record/1999-04141-000

Gottman, J., McCoy, K., Coan, J., & Collier, H. (1995). *The specific affect coding system (SPAFF) for observing emotional communication in marital and family interaction*. Mahwah, NJ: Erlbaum.

Hamidikian, P., Niknam, M., & Jahangir, P. (2022). Predicting latent marital aggression and fear of intimacy based on psychological well-being in women: The mediating role of guilt. *Applied Family Therapy Journal (AFTJ)*, *3*(1), 701-724. https://doi.org/10.22034/aftj.2021.269755.1055

Hosseinaei, A., & Kaviani, M. (2019). predicting emotional divorce based on decision- making styles and power structure of the family among employed women. *Journal of Woman and Family Studies*, *7*(3), 129-151. https://doi.org/10.22051/jwfs.2019.21896.1848 [In Persian]

Jahanbakhshi, Z., & Kalantarkousheh, S. M. (2012). Relationship between dimensions of Early Maladaptive Schemas and desire for marriage among females and males students at Allameh Tabatabai University. *Family Counseling and Psychotherapy*, *2*(2), 234-256. https://dorl.net/dor/20.1001.1.22516654.1391.2.2.7.4 [In Persian]

Khazaei S, Navabinejad S, Farzad V, Zahrakar K.(2018). The Investigating of Psychometric properties of Covert Relational Aggression Scale. *Journal of Research in Psychological Health*, 10 (2):75-88. http://dorl.net/dor/20.1001.1.20080166.1395.10.2.1.8 [In Persian]

khosravi, J., moradi, O., Ahmadian, H., & yoosefi, N. (2021). The Causal Model of Emotional Divorce Trend Based on Self-Differentiation through Marital Affliction Mediation. *Quarterly Journal of Woman and Society*, *12*(46), 159-172. https://dorl.net/dor/20.1001.1.20088566.1400.12.46.12.3

Kim, H. K., Shortt, J. W., Tiberio, S. S., & Capaldi, D. M. (2016). Aggression and Coercive Behaviors in Early Adult Relationships: Findings from the Oregon Youth Study-Couples Study. In T. J. Dishion & J. J. Snyder (Eds.), Oxford handbook of coercive relationship dynamics 169-181. http://dx.doi.org/10.1093/oxfordhb/9780

Meng, K. N. (2013). *Couple implicit rules for facilitating disclosure and relationship quality with romantic relational aggression as a mediator*. Brigham Young University. http://hdl.lib.byu.edu/1877/etd6679

Mikaeili, N., & Ebadi, M. (2022). Developing Structural Equations for Marital Relationship Distress Based on Facial Emotion Recognition: The Mediating Role of Relational Aggression in Infertile Women. *The Neuroscience Journal of Shefaye Khatam*, *10*(2), 22-32. http://dx.doi.org/10.61186/shefa.10.2.22 [In Persian]

Moroń, M., & Mandal, E. (2021). Reinforcement sensitivity, approach and avoidance goals and relational aggression in romantic relationships. *Personality and individual differences*,*168*,110381. https://doi.org/10.1016/j.paid.2020.110381

Mousavi, S. F., & Rahiminezhad, A. (2015). The comparison of interpersonal identity statuses in married people with regards to emotional divorce. *Applied Psychological Research Quarterly*, *6*(1), 11-23. https://japr.ut.ac.ir/article_54571.html [In Persian]

Nelson, D., & Carroll, J. (2006). Couples relational aggression and victimization scale (CRAViS). Provo, UT: RELATE Institute.

Peleg-Popko, O. (2002). Bowen Theory: A study of differentiation of self, social anxiety, and physiological symptoms. *Contemporary Family Therapy: An International Journal, 24*(2), 355–369. https://doi.org/10.1023/A:1015355509866

Pirsaghi F, Nazari A, Naiemi G, Shafaie M. (2015). Marital Conflicts: The Role Of Defense Styles And Emotional Schemas. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing (IJPN)*,3 (1) :59-69 http://ijpn.ir/article-1-511-fa.html [In Persian]

Rabbani, S., Dayariyan, M. M., & Namdarpour, F. (2022). Qualitative investigation of the causes of conflict between couples in an exploratory study. *Journal of Mashhad University of Medical Sciences*, 65(5). https://doi.org/10.22038/mjms.2022.67921.4027 [In Persian]

Rashidi, F., Monirpour, N., & Dokaneifard, F. (2022). The model of emotional divorce based on differentiation with the mediating role of personality structure and experience of usness. *Journal of Applied Family Therapy*, *3*(2), 85-116. https://dorl.net/dor/20.1001.1.27172430.1401.3.2.5.5 [In Persian]

Rehim M KS, Alshamsi W & Kaba A. (2020). Perceptions of divorcees towards factors leading to divorce in UAE. *Journal of Divorce & Remarriage*, 61(8):582-92. doi.org/10.1080/10502556.2020.1824205

Rezapour Mirsaleh, Y., Mosayebi, M., Khandaghi, Z., & Nazemi, B. (2022). Identifying and Ranking the Factors Affecting Early Marital Conflicts in Newly Married Couples with Interpretive Structural Modeling (ISM) Approach. *Journal of Family Research*, *17*(4), 541-560. https://doi.org/10.52547/JFR.17.4.541 [In Persian]

Rezvani, H., & Saemi, H. (2019). Correlation between selfdifferentiation and neuroticism with emotional divorce in married students of Azad Shahr Azad University. *Journal of Health Promotion Management*, *8*(2), 23-30. http://jhpm.ir/article-1-912-fa.html [In Persian]

Salehi-Amiri, S. R., Hekmatpor, M., & Mohadeseh, F. (2014). Examining the effect of emotional divorce on family functioning International conference on behavioral sciences and social studies, Tehran. https://civilica.com/doc/421000/ [In Persian]

Siadat, F., Koraei, A., Shahbazi, M., & Dasht Bozorgi, Z. (2023). Relationship Between Attachment Behaviors and Marital Trust Among Nurses With the Mediating Role of Covert Aggression. *Journal of Client-Centered Nursing Care*, *9*(1), 79-88. http://dx.doi.org/10.32598/JCCNC.9.1.485.1

Simon, H. L. M., DiPlacido, J., & Conway, J. M. (2019). Attachment styles in college students and depression: The mediating role of self differentiation. *Mental Health & Prevention*, *13*, 135-142. http://dx.doi.org/10.1016/j.mhp.2019.01.011

Strizzi JM, Ciprić A, Sander S, Hald GM. (2021). Divorce is stressful, but how stressful? Perceived stress among recently divorced Danes. *Journal of Divorce & Remarriage*, 62(4):295-311. doi.org/10.1080/10502556.2021.1871838

Skowron, E. A., & Schmitt, T. A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of marital and family therapy*, *29*(2), 209-222. https://doi.org/10.1111/j.1752-0606.2003.tb01201.x

Sobhanifard, Y. (2016). Factor analysis and structural equation modeling. Tehran. I.S.U press. https://elmnet.ir/doc/30593257-94012 [In Persian]

Timmons AC, Arbel R, Margolin G. (2017). Daily patterns of stress and conflict in couples: Associations with marital aggression and family-of-origin aggression. J Fam Psychol, 31(1):93-104. https://doi.org/10.1037/fam0000227

Willis K, Miller R B, Yorgason J, Dyer J. (2020). Was Bowen Correct? The Relationship between Differentiation and Triangulation. *Contemporary Family Therapy*, 43(1), 1-11. https://link.springer.com/article/10.1007/s10591-020-09557-3

Wilson, S. J., Andridge, R., Peng, J., Bailey, B. E., Malarkey, W. B., & Kiecolt-Glaser, J. K. (2017). Thoughts after marital conflict and punch biopsy wounds: Age-graded pathways to healing. *Psychoneuroendocrinology*, *85*, 6-13. https://doi.org/10.1016/j.psyneuen.2017.07.489

©The Author(s). Published by Family Psychology Association of Iran
This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)